توثیق یحیی بن عبدالله کاهلی

در باب پنجم، روایت اول از کتاب وسائل الشیعه بودیم.

> **محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن حمزة بن يعلى، عن زكريا بن آدم، عن الكاهلي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن اليوم الذي يشك فيه من شعبان، قال: لان أصوم يوما من شعبان أحب إلي من أن أفطر يوما من شهر رمضان**[1]

«محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد»؛ احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، **«عن حمزة بن يعلى، عن زكريا بن آدم»؛** چه اجلّائی!

«عن الكاهلي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام»؛ مرحوم مجلسی دوم در هر دو کتابشان –شرح تهذیب (ملاذ الاخیار)، شرح کافی(مرآة العقول)- به این روایت اشاره میکنند. مرحوم شیخ در تهذیب این روایت را از کافی آوردهاند. لذا علامه مجلسی در هر دو کتابشان این را ذکر کردهاند. این جور که به ذهن من میآید مرحوم مجلسی در هر دو کتاب فرمودهاند «حسنٌ».[2] از سند این روایت به «حسن» تعبیر کردهاند. در منهاج الاستقصاء[3] که حدوداً همه دوره مجلسی اول بودند، ایشان فرمودهاند حسن بودن این روایت از ناحیه یحیی بن عبد الله کاهلی است. خب چرا؟ چون ایشان توثیق صریح نشده است. لذا در تقسیم رباعی که معروف است، حسن میشود. در این تقسیم رباعی، پدر مجلسی دوم -مجلسی اول، مرحوم ملامحمد تقی- وقتی به اینجا میرسند تعبیر میکنند به «فی الحسن کالصحیح».[4] این روایت بهخاطر کاهلی حسن است اما کالصحیح است.

در اینجا برای آقایان رجالیین مطلب درستی هست اما شوخی مانند است؛ چرا یحیی بن عبدالله، حسن است؟ چون نجاشی و دیگران در وصف او گفتهاند «کان وجها عند ابی الحسن علیهالسلام»؛ زن امام موجه بود. ولی خب «لم یکن وجها عند الرجالیین»! این را بهعنوان شوخی میگویند. چون رجالیین نگفته اند «وجه ثقة عین»، حسن میشود. اما اگر رجالیین گفته باشند صحیح میشود. حال که آن را نگفتهاند نجاشی میگوید «کان وجها».

البته این حرف شوخی است چون اگر خود امام علیهالسلام تصنیف رجالی داشتند و یا بلواسطه میفرمودند «کان وجها» دیگر تمام بود. اما این یک روایت است؛ به یک روایت میگوید «کان وجها». لذا اینکه به یک روایت گفته شود «کان وجها» غیر از این است که خود رجالی به مجموع خبرویت خودش بگوید «ثقة عین وجه». هر چه هست مرحوم مجلسی اول تعبیر فرمودهاند «حسن کالصحیح». خب با این چیزهایی که در وصفشان هست -باز هم برای امثال من که خیلی کوتاهقدتر از این

هستم که در این مجالها حرفی عرض کنم، لذا حالت شوخی دارد- باید فرمایش مجلسی اول را برعکس کنیم. در این فضایی که دیدید به جای اینکه بگوییم «حسن کالصحیح»، میگوییم «صحیح کالحسن»! یعنی واقعیت امر این است که این روایت صحیح است، اما در اصطلاح حسن میشود. اگر بخواهیم واقع مطلب را بگوییم، میگوییم «صحیح کالحسن». ولو باید در خود عبارت ترقی باشد ولی این تنزلش بهخاطر ضوابط کلاس رجال و تقسیم رباعی است. علی ای حال، سند خیلی خوب است و این سند به این قشنگی، به این متانت و بزرگی هیچ مشکلی ندارد.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ص۱۲

[2] مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج۱۶، ص: ۲۳۸؛ ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج۶، ص: ۴۸۸.

[3] مقرر: ظاهرا مراد حضرت استاد کتاب منهاج الاخیار فی شرح الاستبصار است. منهاج الأخيار في شرح الإستبصار، ج۲، ص: ۱۵۴: «و لكن فيه الكاهلي و من جهته يدخل هذا الخبر في الحسن لأن المعروف منه عند الاطلاق عبد الله بن يحيى كما ذكر في الرجال و قد قال النجاشي انه كان وجها عند ابي الحسن عليه السلام و هذه اللفظة من الفاظ الحسن في اصطلاح المتاخرين».

[4] روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج۳، ص: ۳۴۹ : «ما رواه الكليني في الحسن كالصحيح عن الكاهلي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن اليوم الذي يشك من شعبان...».

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 13:33:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 13:35:43 توسط ... .